

اخبار

انفجار یک رستوران در خیابان ستارخان

سختگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران از وقوع انفجار در یک ساختمان سه طبقه در خیابان ستارخان خبر داد.

سید جلال ملکی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به جزئیات این حادثه گفت: وقوع انفجار در یک ساختمان غیرمسکونی در ساعت ۸:۵۲ صبح به فرماندهی آتش‌نشنان سه ایستگاه را به محل حادثه واقع در خیابان ستارخان، خیابان خسرو شمالی اعزام کرد. وی با اشاره به حضور عوامل آتش‌نشانی در محل گفت: نخستین گروه از آتش‌نشنان حدود سه دقیقه پس از اعلام حادثه در محل حاضر شدند که با حضور آنان در محل مشاهده شد که انفجار در یک ساختمان سه طبقه رخ داده است. طبقه اول این ساختمان یک واحد صنفی بود، طبقه فوقانی آن یک رستوران به وسعت ۱۳۰ مترمربع و طبقه آخر آن نیز آشپزخانه این‌رستوران و محل استراحت کارگران بود. ملکی، با بیان اینکه نمای بیرونی این ساختمان از جنس کامپوزیت بوده و کاملاً تخریب شده بود، اظهار کرد: کانون انفجار طبقه آخر این ساختمان و درواقع همان محل استراحت کارگران بود که همین موضوع نگرانی آتش‌نشنان درباره احتمال وجود خسارات جانی را افزایش داد، به ویژه آنکه شدت انفجار به‌حدی بود که تمام دیوارهای قطور داخلی را هم تخریب کرده بود و سبب ریزش سقف طبقه میانی هم شده بود. سختگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران افزود: در همین راستا آتش‌نشنان با تقسیم شدن به دو گروه عملیات ایمن‌سازی و نجات را به شکل همزمان در دستور کار خود قرار دادند و موفق شدند دو کارگر را که دچار مصدومیت شده بودند، نجات داده و به عوامل اورژانس تحویل دهند. شدت این انفجار به حدی بود که یکی از کارگران به سطح خیابان پرتاب شده بود، اما خوشبختانه زنده بود. ملکی با بیان اینکه گزارش‌ها و اظهارات شهود حاکی از این است که این حادثه مورد مفقودی نداشته است، گفت: با این وجود آتش‌نشنان عملیات جستجو را ادامه دادند و خوشبختانه فرد دیگری در محل پیدا نشد. وی درباره علت وقوع این انفجار نیز گفت: بررسی کارشناس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران نشان داد که انفجار ناشی از نشت گاز و بروز یک جرقه بوده است.

رئیس سازمان ثبت احوال کشور خبر داد

بهره برداری از سامانه تشخیص چهره در ثبت احوال



رئیس سازمان ثبت احوال کشور با اشاره به بهره برداری از سامانه تشخیص چهره در سازمان ثبت احوال کشور بر لزوم بهره‌گیری از توان شرکت‌های دانش بنیان برای ارتقای کیفیت و تنوع خدمات به شهروندان تأکید کرد.

هاشم کارگر در گفت‌وگو با ایسنا، در تشریح اقدامات این سازمان در جهت ارتقاء خدمات به شهروندان به بهره‌برداری از سامانه تشخیص چهره اشاره کرد و گفت: این سامانه با حضور وزیر کشور در روز ملی ثبت احوال رونمایی شد. سامانه تشخیص چهره امکان برداشش تصویر و تشخیص چهره به عنوان ورودی سامانه، از میان تصاویر موجود در پایگاه اطلاعات جمعیت کشور را فراهم می‌کند. وی افزود: در سازمان ثبت احوال ایجاد اداره کل امنیت فناوری و فضای مجازی نیز در دستور کار قرار گرفته بود که با هدف ارتقاء امنیت فناوری اطلاعات به عنوان بازوی اجرایی موضوع در معاونت فناوری اطلاعات ایجاد شد. کارگر ادامه داد: سازمان ثبت احوال کشور در نظر دارد برای ارتقای کیفیت و تنوع خدمات به شهروندان در خصوص استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین احراز هویت، تولید بدنه و تراشه کارت هوشمند ملی، ارتقا و هوشمندسازی تجهیزات صدور شناسنامه، تولید اسکنرهای تشخیصی و عنبیه، ابزارهای تصویربرداری و برداشش تصویر برای شناسایی و کشف جعل، تجهیزات امنیتی و ذخیره‌ساز و تولید کلید و گواهی الکترونیک، از ظرفیت و توان شرکت‌های دانش‌بنیان نیز استفاده کند. رئیس سازمان ثبت احوال کشور تأکید کرد: انجام مطالعه در این خصوص به منظور افزایش سطح اتقان اسناد و مدارک هویتی صورت پذیرفته است. در این رابطه تولید برخی نرم افزارهای مورد نیاز سازمان از طریق شرکت‌های دانش بنیان انجام می‌پذیرد. همچنین در تجهیز فناوری مرکز داده و ادارات تابعه، از توان تولیدی شرکت دانش بنیان استفاده می‌شود.

سید جلال ملکی در گفت‌وگو با ایسنا

به گزارش ایسنا، مسیریاب انتهای مسیر را نشان می‌دهد، جاده‌ای خاکی در یکی از فرعی‌های اتوبان آزادگان که انتهایش را با تپه‌ای از خاک و نخاله ساختمانی بن بست کرده‌اند؛ با نگر داشتن ماشین، سگ‌ها دوره‌مان می‌کنند و با پارس‌های پی در پی غریبه بودنمان را به رخ می‌کشند؛ خیابانی تاریک در هوایی سرد و غبار گرفته که تنها رهگذران‌ش زباله‌گردهایی هستند که گذرشان به آن خیابان پر از چاله و چوله تنها یک دلیل دارد و آن فروختن بار ضایعات برای تامین چند گرمی موادمخدر و در خوش‌بینانه‌ترین حالت خرج و معاش روزانه. ۷۶ خانه کهنه و قدیمی در یک ردیف دیده می‌شوند که محل خرید ضایعات هستند؛ سگی روی بام یکی از خانه‌ها ایستاده و مدام پارس می‌کند، آنقدری که سگ‌های دیگر را از دالانهای خانه‌ها و زمین‌های بایر اطراف بیرون می‌کشد، اینبار همگی با هم به سویمان پارس و اجازه نزدیک شدن به خانه‌ها و پیاده شدن از ماشین را نمی‌دهند، با صدایشان کم‌کم صاحبان خانه‌ها خارج می‌شوند و با ایستادن جلوی در نگاهمان می‌کنند؛ خانه‌هایی قدیمی با ورودی‌های باریک و راهرو مانند که به حیاطی می‌رسند، حیاط‌هایی مملو از گونیهای بزرگ ضایعات که روی هم تلنبار شده‌اند؛ هر از گاهی زباله‌گردان کونی بدوش وارد فرعی و به سمت خانه‌ها می‌روند و دید محو می‌شوند اما چشم‌هایشان خودی نبوند و لزوم دور شدن ما از آنجا را بهمان گوشزد می‌کنند. به دنبال «مامان» می‌گردیم اما نمی‌توانیم نامش را بر زبان بیاوریم حتی شیشه ماشین را هم نمی‌توانیم پایین بکشیم لذا باز هم بدنبال نشانی درست مقصد می‌گردیم. کوره‌های آجرپزی سر به فلک کشیده دیگر نایی و دودی ندازند و بیابان متروکه اطراف که تا چشم کار می‌کند با تخلیه نخاله‌های ساختمانی و تخریب ساختمان‌های اطراف حلال دشت وسیع و بیابان طوری را ایجاد کرده، موید گذشت سال‌های طولانی از خاموش بودن کوره‌هاست.

مسیریاب را خاموش و دور می‌زنیم و به دنبال مسیرمان، فرعی خاکی دیگری را داخل می‌شویم؛ خیابانی بدون تابلو که دو طرفش دشت بیابانی است که با تخلیه نخاله‌ها و شن و ماسه تپه‌هایی ایجاد کرده‌اند که دسترسی و ورود به پاتوق را سخت می‌کند لذا افراد عادی دلیلی برای حضور در این مکان ندارند مگر …

کانکس کاهش آسیب و ارائه خدمات به معناتان متجارب و کارتن‌خواب‌ها، مقصدی است که بدنبالش بودیم و فرمانان کنار آن. در آن تاریکی لامپش هرچند با نوری کم جان اما روشنای راهمان می‌شود؛ ساعت از ۸ شب گذشته است و با توجه به اتمام ساعت کاری ارائه خدمات باید درش بسته باشد اما هنوز مراجعه‌کننده دارد.

«مامان» زنی ۵۱ ساله و ریز نقش که نیمی از عمرش را معنات بوده و ۵۰۴ سالی از پاک‌اش می‌گذرد، مورد اعتماد معناتان و کارتن‌خواب‌های اینجاست و همه او را با این نام صدا می‌زنند؛ شبها را نیز داخل کانکس صبح می‌کند و ظهرها در نیمچه دیگی که دارد برایشان غذایی بار می‌گذارد. معنای متجاهر دم در کانکس ایستاده و مامان را صدا می‌زند: «مامان، مامان، غذا میدی برابری ممد ببرم گرسنه‌اش خدش؟»

آره مامان جان وایسا بیارم؛ چرا بهت گفتم بیا پتو ببر نمودی؟ دو روزمه نیست و اول مسیر پاتوق است، + مامان به رفیقمه پتو میدی؟

مامان، چهار پنج نان لواش و کاسه‌ای کوچک حاوی تکه‌ای پنیر و حلوا شکری به دستم می‌دهد و در دست دیگه‌ش هم لیوان چای می‌گذارد. با اندام نحیف و دود گرفته‌اش ابتدا چایی را هورت می‌کشد و با داغی آن به خودش می‌آید و تقاضای پتو می‌کند که «پاور» دیگری از کانکس، پتوی مسافرتی می‌آورد و روی ساق دستان معنات می‌گذارد و او می‌خواهد چای‌اش را بخورد تا بتواند با دستش پتوی سبز رنگ دیگری را هم با خود ببرد تا سرمای شب را به صبح برساند.

دو مرد معنات دیگر هم از راه می‌رسند و تقاضای پتو و لقمه نانی دارند که یکی پیرمردی با چهره افغانستانی‌ها و با لباس محلی و دیگری پسر جوان و قد بلندی که شباهت چندانی به کارتن‌خواب‌ها ندارد اما با این همه‌ام می‌شود و با گذر ازپلندی تپه‌ها در سرراشینی آن محو و وارد پاتوق می‌شود.

پیرمرد افغان؛ گردن کج می‌کند و آرام بدون حرف دستان یخ کرده‌اش را زیربغل می‌گذارد تا گرم‌ای تنش به دستانش منتقل شماره ۲ تا ۳ است. همچنین مناسب این سرما نیست یا بهتر بگویم بدرت تابستان می‌خورد تا زمستان؛ «مونوا» دیگری یاور این کانکس لیوان یکبار مصرف چای را بدستش می‌دهد تا با خوردنش گرم شود و چند نان و کاسه پنیر را بدست دیگرش می‌دهد و از او می‌خواهد بماند تا پتویی روی دوشش بیندازد. مامان پتوی آلومینیومی ضد حریق و ضد آب و بگیربالا بیچیم بهت … ای جانم عمو

زندان جلوتر از ما راه می‌رود و هر از گاهی به سستی می‌رود و اسمی را بلند صدا می‌کند تا اینگونه با نزدیک شدن به محدوده آونک هر معنات و کارتن‌خوابی، حضورمان را اعلام کند و همینطور که راه می‌رویم از ارائه وسایل پیشگیری به معناتان و کارتن‌خوابها می‌گویید: «وسایل پیشگیری هم بهپوشن می‌دمیم و هر چند وقت یکبار با کیت ازشون آزمایش

روایتی از کارتن‌خواب‌ها در دمای زیر صفر

دخمه‌هایی در غبار

دمای زیر صفر درجه تهران؛ اتوبان آزادگان. قول و قرارها با «مامان» گذاشته می‌شود؛ گزارش بی‌دون نام از پاتوقی که پاتوق‌دارش را معرفی نمی‌کنند، بدون

حق فیلمبرداری و تک روی در شبه بیابانهای وسیع اتوبانی در جنوب تهران که فرعی‌های ورودیش را با نخاله‌های ساختمانی و شیشه شکسته با ارتفاعی یک

و نیم تا دو متری مسدود کرده‌اند؛ اینجا پاتوقی «سخت در دسترس» است و در همسایگی «باغ انگوری»..



مد جا داره امشب بمونه بیرون نیست»، «بهداشتی وجود دارد اما بدون در و پیکر که مامان مرا پشت کانکس می‌برد و جای بریدگی آن را نشان می‌دهد که درزان به اموال داخل کانکس نیز رحم نکرده‌اند.

سپیده‌علیزاده، مدیرعامل موسسه نورسپید هدایت که حالا مدیریت این کانکس به وی سپرده شده به عنوان معتمد دیگر با مامان همراهی‌مان می‌کند. تهران شب زیر صفر درجه‌اش را می‌گذراند؛ هوا غبارآلود و سرد است؛ تنها روشنای راهمان چراغ قوهای می‌شود که با آن به سمت یکی از پاتوق‌ها می‌رویم. یاوران دستامان را می‌گیرند و از تپه‌ها بالای می‌کشند تا با سرازیر شدن به سمت دیگر تپه، داخل پاتوق شویم. قول و قرارها از قبل گذشته شده؛ دسته جمعی وارد پاتوق می‌شیم، فیلمبرداری ممنوع، اسمی از پاتوق نمی‌آرید و …

دستی وسیع و دگه‌های آجر و شیشه و … در تاریکی ساختمانی و تکه‌های آجر و شیشه و … در تاریکی هوا راه رفتن را کمی دشوار می‌کند و باید زیر پای و نگاه کنی تا بتوانی راهی برای گذر پیدا کنی، چیزی جز تاریکی محض و نخاله ایستاده و مامان را سمت چپ مسیرمان گودالی با عمق دو سه متر دیده می‌شود که آنجا درختان کاج کاشته‌اند، مامان می‌گوید زیر درختان کسی نیست چون مکانی خوب برای در دید نبودن نیست و اول مسیر پاتوق است، از ما می‌خواهد به آن سمت برویم: «مامان جان نرووو الان اونجا کسی نیست؛ در ضمن سر خود و تنهایی هم نرید یایی خطرناکه می‌گیرن و می‌برنوتن دوربین و موبایلتون می‌گیرن.» از سر کنجکوای سرراشینی را بدون چراغ قوه به سمت درختان پایین می‌رویم؛ دخمه‌هایی غار مانند با دهانه‌ای تقریباً نیم متری در تپه‌هایی که لابه‌لای درختان ایجاد کرده‌اند دیده می‌شود، مامان به سرعت پتاله می‌پزد و فریاد زنان صدایمان می‌کند و اینبار با تذکری جدی‌تر بالا می‌کشدمان و اجازه نمی‌دهد از آن مسیر راهمان را ادامه دهیم؛ نگاهم به آن دخمه‌هاست اما تاریکی و غبارآلودگی هوا در کنار تذکرات مامان مجبورمان می‌کند دستان یاوران را گرفته و خودمان را به بالای گودال برسانیم.

«اینجا روزانه حداقل ۵۰ تا ۶۰ مراجعه‌کننده دارم و در حال حاضر بیشترین خدماتی که ازمون میخوان پماد سوختگی هست چون اکثراً چرتشون میگیره می‌افتن داخل آتیش و می‌سوزن به خاطر همین بانند و چسب زخم و پماد و مخصوصاً توی این هوای سرد، قرص سرماخوردگی و چرک خشک کن میخوان»؛ اینها را سپیده‌علیزاده در طول مسیر تعریف می‌کند. مامان به همراه یاور دیگری که «شهزاد» صدایش می‌زنند جلوتر از ما راه می‌رود و هر از گاهی به سستی می‌رود و اسمی را بلند صدا می‌کند تا اینگونه با نزدیک شدن به محدوده آونک هر معنات و کارتن‌خوابی، حضورمان را اعلام کند و همینطور که راه می‌رویم از ارائه وسایل پیشگیری به معناتان و کارتن‌خوابها می‌گویید: «وسایل پیشگیری هم بهپوشن می‌دمیم و هر چند وقت یکبار با کیت ازشون آزمایش

سپیده‌علیزاده گذری دارد به تجربیاتش در مرکز کاهش آسیب پارک شوش که علی‌رغم تمامی حواشی و اختلافاتی که درخصوص نگهداشت آن وجود داشت از درد دل‌هایش می‌گوید و اینکه الان کانکس‌های کاهش آسیب را در کنار پاتوق های پرخطر مدیریت می‌کند: «اما با زناتی که اینجاها زندگی می‌کنن کار داریم و سعی می‌کنیم کاهش آسیب رو در موردشون اجرا کنیم؛ قبلنا اینها رو جمع و راضی می‌کردیم که اگر معناتی و مصرف‌کننده هستی لازم نیست زندگی گروهی با مردان آسیب دیده در زیر زمین و پاتوق‌های پرخطر داشته باشی و اینو تجربه کنی، می‌تونی به مراکز و دی آسی‌های بهزیستی (مراکز گذری کاهش شبیایی و اونجا زندگی کنی؛ البته بعد به مدتی رفت و آمد پیشنون بهمون اعتماد می‌کردن و می‌اومدن اما الان مجبورم دخترهامو به صاحبان پاتوق‌ها بسپارم و مجبورم بیام توی پاتوقهایی که کانکس نداریم و بگم این دختر مرکز من بوده و حواست بهش باشه و احترامشو نگه دارید چون زایمان کرده و با اون یکی میخواد برگرده خونه و با این یکی …».

«توی شبهای سرد کار ما سخت‌تر میشه چون دیگه وسط بیابون دیده نمیشن و میرن آونک پیدا می‌کنیم که اگر کسی رابطه پرخطر داشته و شک داره بیاد آزمایش بده، البته بایدصحت کنیم تا قانع بشن مامان از ما کیت می‌گیری؟ که به ندرت مثبت درمیاد و البته به چند تایی هم مثبت شد اما اونایی که خودشون می‌دونن چیکار کردن و مثبت هستن جرات نمی‌کنن بیان کیت بگیرن و اگر هم داشته باشن (آی وی) نمی‌زارن ازشون کیت بگیریم. اینجا میابیم و به تزریقی‌ها سرنگ تمیز می‌دیم البته بگم ابتدا هم از تزریق هست و هم جنسی‌اما خودشون نمیدونن کی گرفتن چون کسی که تزریق می‌کنه خب برنامه‌ها داشته‌اما خودشون خیر ندانن.»

همینطور در تاریکی‌راه می‌رویم، در بیابانی که تنها روشنای راهمان نور کم‌جان چراغ‌قوه است و لاینقر؛ چیزی جز نخاله و کوره‌های سر به فلک کشیده دیده نمی‌شود، در آن سرما جز خودمان کسی را در آن دشت بیابانی نمی‌بینم، فقط در دور دست چند ردیف درخت دیده می‌شود که مامان بعد از سرک کشیدن‌های یواشکی به چندجهت راهش را به سوی درختان کج می‌کند: «پاتوق اول سر هست بیابید این طرفی بریم اینجاها کسی نمی‌شونه توی این سرما.»

شرایط خطرناک گذران شب‌های سرد برای زنان

معتادمتجاهر

همچنان در حرکت هستیم: «اسم پاتوق رو توی گزارشت نزن و بنزید پاتوق آزادگان؛ اینجا بالای ۱۰ پاتوق هست و اگر اسم پاتوق رو بیارید می‌ریزن اینجا؛ زندگی اینا که بهتر نمیشه، فقط مبرن جای دیگه و اونور اتوبان می‌گن پاتوق ایمن رو لو دادن. اینجا جزو پاتوقهای بزرگ و پرجمعیت هست و میابگین ۱۵۰ نفری اینجا هستن.»

سپیده‌علیزاده گذری دارد به تجربیاتش در مرکز کاهش آسیب پارک شوش که علی‌رغم تمامی حواشی و اختلافاتی که درخصوص نگهداشت آن وجود داشت از درد دل‌هایش می‌گوید و اینکه الان کانکس‌های کاهش آسیب را در کنار پاتوق های پرخطر مدیریت می‌کند: «اما با زناتی که اینجاها زندگی می‌کنن کار داریم و سعی می‌کنیم کاهش آسیب رو در موردشون اجرا کنیم؛ قبلنا اینها رو جمع و راضی می‌کردیم که اگر معناتی و مصرف‌کننده هستی لازم نیست زندگی گروهی با مردان آسیب دیده در زیر زمین و پاتوق‌های پرخطر داشته باشی و اینو تجربه کنی، می‌تونی به مراکز و دی آسی‌های بهزیستی (مراکز گذری کاهش شبیایی و اونجا زندگی کنی؛ البته بعد به مدتی رفت و آمد پیشنون بهمون اعتماد می‌کردن و می‌اومدن اما الان مجبورم دخترهامو به صاحبان پاتوق‌ها بسپارم و مجبورم بیام توی پاتوقهایی که کانکس نداریم و بگم این دختر مرکز من بوده و حواست بهش باشه و احترامشو نگه دارید چون زایمان کرده و با اون یکی میخواد برگرده خونه و با این یکی …».

«توی شبهای سرد کار ما سخت‌تر میشه چون دیگه وسط بیابون دیده نمیشن و میرن آونک پیدا می‌کنیم که اگر کسی رابطه پرخطر داشته و شک داره بیاد آزمایش بده، البته بایدصحت کنیم تا قانع بشن مامان از ما کیت می‌گیری؟ که به ندرت مثبت درمیاد و البته به چند تایی هم مثبت شد اما اونایی که خودشون می‌دونن چیکار کردن و مثبت هستن جرات نمی‌کنن بیان کیت بگیرن و اگر هم داشته باشن (آی وی) نمی‌زارن ازشون کیت بگیریم. اینجا میابیم و به تزریقی‌ها سرنگ تمیز می‌دیم البته بگم ابتدا هم از تزریق هست و هم جنسی‌اما خودشون نمیدونن کی گرفتن چون کسی که تزریق می‌کنه خب برنامه‌ها داشته‌اما خودشون خیر ندانن.»

حوادث

اخبار

فعالیت ۱۲۰۰ داوطلب هلال احمر برای کمک به بیماران در مراکز درمانی

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر از فعالیت ۱۲۰۰ داوطلب طرح سلامت‌یار در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ۱۹ دانشگاه علوم پزشکی خبر داد.

به گزارش ایسنا، وحید سلیمی در مراسم بزرگداشت روز ملی مددکاری اجتماعی که در مرکز همایش‌های رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد، گفت: در حال حاضر حدود دو میلیون داوطلب به شکل غیرمستمر با جمعیت هلال احمر همکاری دارند که برای افزایش این تعداد برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده‌ایم.

وی با بیان اینکه ما در سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در حوزه جذب افراد حقیقی و حقوقی و اقدام می‌کنیم، افزود: یکی از برنامه‌های ما در قالب در طرح سلامت‌یار بود که تخصصی‌تر شد. در این طرح با توجه به مشکلات برخی بیماران به دلیل عدم آشنایی با فرآیند بیمارستانی یا برای بیمارانی که همراهان سالمند داشتند و… اقدام به جذب افراد علاقه‌مند برای کمک به این افراد کرده و فعالیت خود را در ۶۴ مرکز درمانی آغاز کردیم.در همین راستا نیز ۱۲۰۰ داوطلب را آموزش دادیم و در حال حاضر نیز طرح در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی ۱۹ دانشگاه علوم پزشکی به صورت منظم اجرا می‌شود.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر ادامه داد: خدماتی که عزیزان در طرح سلامت‌یار می‌دهند در حوزه پذیرش بیمار، همراهی بیمار، هدایت بیماران با ویلچر، کمک به امور ترخیص و بستری، نگهداری کودکان بیماران و… است.

سلیمی به اقدامات داوطلبان در بحران‌ها و حوادث نیز پرداخت و گفت: در بحران‌ها نیز تیم‌های مددکاری فعال داریم و با هم افزایی بیشتر می‌توانیم بهتر هم عمل کنیم و تیم‌های امداد اجتماعی را فعال کنیم تا در محل حادثه اقدام به ارائه خدمات کنند.

به گفته وی در زلزله اخیر خوی مردم به دلیل رعب و وحشت نیاز به حمایت روانی داشتند که در این زمینه اقدام شد.

امدادسانی به بیش از ۸۰۰۰ نفر در برف و کولاک



سرپرست سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از امدادرسانی به بیش از ۸۰۰۰ هزار نفر در برف و کولاک ۲۴ ساعت گذشته خبر داد. صادق محمودی در گفت‌وگو با ایسنا،

درباره آخرین وضعیت اقدامات امدادگران سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر در امدادرسانی به حادثه‌دیدگان برف و کولاک در کشور گفت: از ۲۳ بهمن ماه تا ساعت ۱۱:۳۰ صبح امروز مجموعاً ۲۶ استان تحت تأثیر بارش برف و باران قرار داشتند که در این میان در ۱۹ استان شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، البرز، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، قم، قزوین، کردستان، گهگلبویه و بویراحمد، گلستان، لرستان، مازندران، مرکزی و همدان ماموریت‌های امداد و نجات به اجرا درآمد.

وی با بیان اینکه این ماموریت‌ها در ۷۱ محور و یک روستا در ۵۷ شهرستان از این ۱۹ استان به هشت اجرا درآمد، گفت: درمجموع تاکنون به هشت هزار و ۵۱۵ نفر امدادرسانی شده و ۱۶۴۵ نفر نیز اسکان اضطراری داده شده‌اند. ۴۹ نفر نیز به مراکز درمانی منتقل شدند.

سرپرست سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با بیان اینکه ۶۵۷ دستگاه خودرو نیز صاب، اصفهان، البرز، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، قم، قزوین، کردستان، گهگلبویه و بویراحمد، گلستان، لرستان، مازندران، مرکزی و همدان ماموریت‌های امدادی در حال انجام است. پیش‌بینی قبلی سازمان هواشناسی از آماده‌باش برخوردار بودند، گفت: این آماده‌باش همچنان ادامه داشت و در برخی از مناطق نیز همچنان ماموریت‌های امدادی در حال انجام است. تاکنون ۴۲۰ امدادگر در ۱۱۵ تیم عملیاتی در اجرای ماموریت‌های امداد و نجات مشارکت داشتند.

برف و باران در جاده‌های ۱۱ استان کشور



کوه‌دشت انجام می‌شود. محوره‌ای ریگان – ایرانشهر و

کنار گذر شمالی اراک نیز دو محور شریانی دارای انسداد هستند. محوره‌ای خوانسار – بوئین، کوه‌رنگ – مسجد سلیمان(گردنه‌های چری، تازاز و شاه منصوری) نیز تا اطلاع بعدی مسدودند.

ویدی دربارہ میزان تردد در جاده‌های کشور نیز گفت: براساس اطلاعات دریافتی از سامانه‌های ترددشمار تردد در محوره‌ای برون‌شهری، نسبت به روز قبل ۲۲.۳ درصد کاهش داشته است. ساعات اوج تردد نیز بین ساعات ۱۷ تا ۱۸ بوده است. بیشترین ترددهای جاده‌ای نیز به ترتیب از آزادراه کرج – تهران، آزادراه قزوین – کرج، محور قرچک – ری، آزادراه قم – تهران و آزادراه ساوه – تهران انجام شده است.

شیرانی دربارہ محوره‌ای دارای انسداد یا محدودیت تردد نیز گفت:جاده چالوس و آزادراه تهران – شمال همچنان مسدود است و تلاش‌ها برای بازگشایی آن از سوی عوامل پلیس راه و راهداری در حال انجام است. محور قدیم خرم آباد – پلدختر تا اطلاع بعدی مسدود بوده و تردد از مسیر جایگزین آزادراه خرم آباد – زیل پال و محور خرم آباد